

تحقیقات نشان می‌دهد که
 خستگی راننده یکی از عوامل
 مؤثر در بیش از ۲۰ درصد
 تصادفات جاده‌ای و بیش از
 یک چهارم تصادفات کشنده و
 جدی است.



رئیس دفتر رئیس جمهوری:
**طرف مذاکره کننده
 ایران در حادثه منا
 ظریف نیست حج و
 زیارت است**

رئیس دفتر رئیس جمهوری گفت: «سازمان حج و زیارت نماینده مذاکره ایران در حادثه منا بود، نه وزارت خارجه که امروز مطرح می‌کنند ظریف باید مذاکره کند.» سید محمود واعظی، درباره این که بعد از اظهارات برادر شهید، کن آزادی در خصوص حادثه منا مطرح می‌شود وزارت خارجه باید مسئولیت مذاکرات را بر عهده می‌گرفته و شخص ظریف و این وزارتخانه کوتاهی به خرج داده‌اند، گفت: «موضوع متعلق به چند سال گذشته است و امروز شخصی مطالبی را پیرامون آن بیان می‌کند و عده‌ای هم با توجه به این گفته‌ها می‌گویند آقای ظریف باید مسئولیت مذاکرات را بر عهده می‌گرفت. مگر هر مذاکره‌ای را که ایران انجام می‌دهد در رأس آن وزیر امور خارجه قرار دارد؟ مذاکره‌های بسیاری در حال انجام است یا آقای ظریف باید باشد؟ نمونه این مذاکرات گفت‌وگوهای وزیر راه، مسکن و شهرسازی در سوچی است.»

گزارش تصویری



به مناسبت فرارسیدن عید سعید غدیر، روز گذشته مردم با چراغانی کردن خیابان‌ها، پخش شربت و شیرینی و روشن کردن جملاتی روی ماشین‌ها، عید ولایت را جشن گرفتند. (مهر)



بازسازی واقعه غدیر در شیروان خراسان شمالی. (عصر ایران)



در کارناوال دفنوازی «آوای دوست» در کردستان، مردان دفنوازی در کنار زنان، به نوازندگی این ساز قدیمی پرداختند. (ایستنا)



مالک خودرویی با نصب پیامی بر روی صندوق عقب خودرویش درخواست عاجزانه خود را در معرض دید رانندگان قرار داد. (خبر آنلاین)

بیدود برای مردان دود برای زنان

کاربران شبکه‌های اجتماعی می‌گویند خانم‌ها از ثبت نام دوچرخه سواری منع شده‌اند در حالی که مسئولان تاکید می‌کنند چنین منعی قائل نشده‌اند



ماجرای «بیدود» به سال ۹۶ برمی‌گشت؛ زمانی که شرکت «پاک چرخ ایرانیان»، طرح دوچرخه‌های اشتراکی را برای نخستین بار در ایران کلید زد. شما با استفاده از اپلیکیشن مربوطه مبلغی پرداخت کنید، از دوچرخه‌های «بیدود» که در بعضی میادین اصلی تعبیه شده بودند، استفاده کنید و آن را رها کنید تا نفر بعدی هر مسافتی را که دلتش خواست با همان پرداخت اولیه ر کاب بزند. به نظر طرح جالبی می‌رسید، اما حدود یک سالی گذشت که اسم و رسمی پیدا کرد و مردم سراغش رفتند. در واقع شاید پاییز سال گذشته بود که کم‌کم مطالبی درباره این طرح نوشته شد و مورد تحسین قرار گرفت. هم از طریق ساده‌سازی استفاده از دوچرخه، فرهنگ دوچرخه‌سواری را رواج می‌داد و هم به رفع آلودگی هوا کمک می‌کرد. شرایط ثبت نام در آن هم سخت نبود؛ بالای ۱۳ سال، کمتر از ۷۰ سال و داشتن قدرت بدنی مناسب و وضع سالم جسمی، تا همین یکی دو ماه پیش هم مشکلی درباره استفاده این دوچرخه‌ها مطرح نبود. چنانچه مدیر توسعه سیستم‌های حمل و نقل پاک هم در تیرماه سال گذشته از حمایت از «بیدود» سخن گفته بود: «در حال حاضر ۵۰ ایستگاه بی دود در تهران به همت بخش خصوصی فعال است.» با این حال چند روزی است که ماجرای این دوچرخه‌های اشتراکی به جنجال رسیده، چون کاربران شبکه‌های اجتماعی خبر داده‌اند در روند ثبت نام در اپلیکیشن مربوطه، به محض تعیین جنسیت «زن» از طرف متقاضی، اپلیکیشن پیغام «خطا» می‌دهد و روند ثبت نام مختل می‌شود. در مورد زنان پیش از این فقط شرط استفاده نکردن از دوچرخه‌های «بیدود»، بارداری بود که به جهت احتمال خطر برای بعضی از بانوان باردار طبیعی به نظر می‌رسید. اما حالا گویا شرایط به نحوی پیش رفته که دست‌اندر کاران شرکت چرخ ایرانیان ترجیح داده‌اند دسترسی را برای زنان قطع کنند.

منع قانونی یا منع فرآقانونی؟

بعد از اعتراض کاربران شبکه‌های اجتماعی، روز دوشنبه علی پیر حسین لو، مشاور معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران در توییته نوشت: «شهرداری نه برای دوچرخه‌های خودش محدودیت استفاده خانم‌ها تعیین کرده، نه برای دوچرخه‌های بیدود.» دوچرخه‌سواری زنان

یادداشت

**کاهش خسوف
انتظار مردم و سیاست شورای منتخب مردم**

ادامه از صفحه اول | درست بالای سر عامل کشتار ایستاده و با هدایت او زاویه دوربین جابه‌جا می‌شود و البته هیچ نشانی از چهره یا مشخصات افراد در صحنه نمی‌بینید، در حالی که هم محوطه و هم نشانه‌های شناسایی خودروی شهری با تأکید در فیلم نشان داده شده است. به سخن دیگر، شبیه آن چه در فیلم‌های باجگیرها، تپهکاران و حتی داعشی‌ها دیده‌ایم، یکی از دست‌اندر کاران ماجرای آن صحنه با آگاهی بقیه فیلمی از صحنه‌های پیش پرداخته گرفته، که به مثابه ابزاری برای تهدید و باجگیری، یا ترس آفرینی و ارعاب کاربرد داشته است. شوربختانه گاهی چنین رویه‌های کثیفی در روابط کاری کاربرد دارد و به نظر می‌رسد این فیلم یکی از آن نمونه‌ها باشد که باید بررسی تخصصی و پیگیری قضائی در این مورد جدی گرفته شود.

تحلیل چگونگی و جزئیات فیلم، راهی برای توجیه و انکار نیست. انتظار مردم و سیاست شورای منتخب مردم، کاهش خسوف، بهبود سازگاری زیستی، ایمن‌سازی سالم و سازگار با محیط‌زیست فضاهای شهری و باهم ساختن شهری برای همه است. این تجربه پر تنش گویای بایستگی پرداختن به اصلاح آیین‌نامه‌ها، پیمانکاران، روش‌ها، ابزارها و کارکردهای بخش‌های خدمات شهری از جمله شرکت‌های پیمانده‌ای است که ساماندهی جانداران هم‌زیست شهری یکی از وظایف آن به شمار می‌رود. تجربه سازنده و تغییر رویکرد شهرداری‌ها در ایران از جمله شهرداری. کرج نمونه خوبی برای اصلاح رویه است. مدیریت ایمنی و بهداشت فضاهای شهری از جمله کار ویژه‌های مدیریت شهری است. فزون جمعیتی گونه‌های جانوران هم‌زیست و همه‌گیر شدن بیماری‌ها به ویژه بیماری‌های مشترک یا موجب آسیب به انسان تهدیدهایی است که در کنار فرصت‌های هم‌زیستی باید به آنها توجه کرد. توسعه شهری در دهه‌های گذشته موجب پیشروی شهر در فضاهای طبیعی پیرامونی و برهم زدن زیستگاه‌های جانوران آزاد شده است. در تهران گونه‌هایی گوشه‌نواز از جمله پرندگان شکاری و روباه یا شغال از پسماند خوراکی شهروندان برداشت می‌کنند و در فضاهای شهری رفت‌وآمد دارند. این گونه‌ها دارای بیماری‌های مشترک با سگ و گربه (جانوران هم‌زیست و در کنار جامعه انسانی)، از جمله هاری هستند. از مهمترین کارها در بهداشت شهری یا پیش مداوم وضع از راه زنده‌گیری، مهار جمعیت به شیوه‌های کمتر خشن (مانند عقیم‌سازی سنجیده) و واکنس‌زدن، شناسایی و جداسازی موارد بیمار و شناسنامه‌دار کردن هم‌زیستان شهری را باید برشمرد. خواسته‌های کنشگران مدنی تضادی با این وظایف ندارد و همه برای بهبود بهداشت شهری و ساماندهی درست فضاهای عمومی شهر همراه هستند. خوب است همواره در کار شهری به یاد داشته باشیم همان گونه که برخی از جامعه به نزدیک‌تر بودن جانداران هم‌زیست گرایش دارد، بخشی دیگر حق دارد فضاهای غیرمشترک را از مدیریت شهری انتظار داشته باشد. می‌توان با تدبیر درست از رودرویی خواست بخش‌های گوناگون جامعه کاست و به شیوه‌ای مناسب حقوق همه شهروندان و دیگر جانداران هم‌زیست شهری را رعایت کرد.

در تحلیل این ماجرا، پرسشی اساسی که کمتر کسی به آن پرداخته، این است چرا چنین فیلمی در دست در این روزها گسترده بخش شد؟ چه دلیلی دارد فیلمی که به سال ۱۳۹۶ بازمی‌گردد، درست در روزهای پایانی مرداد ۹۸ پخش می‌شود، پیمانکاری در این هنگام خلع بد می‌شود، روزهایی که چند خبر تخریبی مربوط به گذشته (بریدن درختان و غیره) جریان رسانه‌ای مجازی پیدا می‌کند و بالاخره یکی فراگیر می‌شود؟ شوربختانه کم‌توجهی کنشگران مدنی در انتخاب روزی که برای گفت‌وگو با شورا و شهرداری روز مناسبی نبود، این وضع را پیچیده‌تر کرد و به دراز کشیدن زمان حضورشان، فضا را از بیان مسالمت‌آمیز خواسته‌شان به سوی دیگر کشاند. پیوند میان شوراها و شورای پنجم با سازمان‌های مردم‌نهاد و کنشگران مدنی فرصتی ویژه بوده و هست که هم در سیاست‌گذاری و هم در نظارت و پیگیری‌ها سرمایه و توان مشترکی ایجاد کرده است. فضا و زبان مشترک ما می‌تواند از پیشرفت سناریوهای پنهان بکاهد و کمک کند اعتبار و توان مردم برای بهبود بجا و مؤثر به کار آید.

میزان مصرف نمک در ایران و جهان

استفاده بیش از حد نمک زمینه‌ساز افزایش فشار خون و در نتیجه افزایش خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی و عروقی است. میزان متوسط نمک در ایران، ۱۱ گرم بوده و چنانچه این میزان به سه گرم کاهش پیدا کند، یک سوم از ابتلا به بیماری‌های قلبی و عروقی نیز کاهش پیدا خواهد کرد. فشار خون بالا موجب سکنه قلبی و مغزی می‌شود. مهم است بدانید ۵۰ درصد مرگ‌ها در ایران به علت این دو نوع سکنه است. این وضع را در تصویر اینفوگرافیکی که توسط اعتماد آنلاین تهیه شده می‌بینید.



حاشیه نویسی

شوخی‌های گربه‌ای

ادامه از صفحه اول | نمی‌شناسمتون، ولی واقعا تون ممنونم که بدون اجرت نماد و الگوی کاملی شدید برای نشون دادن تفکر منجر کننده تون و اجازه دادید مردم کسانی مثل شمارو ببینن و بانگاه دور از انسانیت تون آشنا بشن. دمتون گرم...»

پخش چنین برنامه‌ای از تلویزیون ماسه ایراد بزرگ داشت؛ مطرح شدن چنین خبری در شبکه‌ای که نه در شأن رسانه ملی بود، نه کار اخلاقی‌ای است که به غم کسی بخندی (ولو آن غم برای یک تکه چوب باشد) و از همه قاجح‌تر، نه حتی بانمک و خنده‌دار بود. با همه اینها به این برنامه ضعیف، می‌توان «هجو» گفت و بر خلاف نظر حسین پور-نه‌از توهین خبری هست و نه فحش. پرداختن به این ماجرای سبک‌بازان ادبیاتی، اشتباه کسی است که یکی از ویژگی‌های همیشگی اش در تمام سال‌های فعالیتش شوخی با همه چیز بوده است. فردی که شوخی می‌کند باید جنبه انواع شوخی‌ها و حتی هزل‌گویی‌ها را داشته باشد، کسی که طعنه می‌زند باید پذیرنده همه کنایه‌ها باشد. نمی‌توان برای شوخی (حتی دربی‌نمک‌ترین و مضحک‌ترین حالت ممکن) استثنای قایل شد. به قول امیرمهدی ژوله در زیر همان پست حسین پور: «بی‌خیال بابا! این همه ما با همه شوخی کردیم، یه بار اینا با ما فقط کاش از آنتن تلویزیون نبود. کاش از شبکه‌ای نبود. کاش لااقل بازه بود. کاش یکی از هزاران ردیلت اخلاقی مون رو نقد می‌کردن نه همدردی کردن با رفیقی که موجود عزیز ی روز دست داده»

حالا «شهروند» با یکی از همان دو گلوله نمک حرف زده است، این که چگونه فکر می‌کنند و چطور از گفته‌ها و فکرهایشان دفاع می‌کنند، در صفحه قبل خواندید. ولی در روزگاری که جامعه‌مان نسبت به موضوعی حساس شده است، دست گذاشتن روی این موضوع چه سودی برای رسانه ما دارد؟ جز این که دو دستگی و تقابل ایجاد می‌کند؟ تقابل در این دوره مفید است یا مضر؟

لزوم عبور از کنش‌های سلبی به کنش‌های ایجابی

که با برخورد نیروی انتظامی مواجه شده باشند. چرا معترضان به روش‌های ایجابی نظیر پیگیری حقوقی روی نمی‌آورند؟ مگر نه آن که در خصوص دریافت گواهینامه موتورسیکلت توسط زنان پیگیری حقوقی آغاز شد و حداقل از لحاظ حقوقی روشنگری برای جامعه انجام شد.

حامیان تحریم‌های این چنینی یک موضوع را از یاد برده‌اند و آن این که با پاک کردن صورت‌مسأله اساسا میدان مطالبه‌گری نیز برچیده خواهد شد. اگر حامیان حقوق زنان امروز به دنبال حق زنان در استفاده از دوچرخه در سطح شهر هستند، به این دلیل است که اساسا موضوعیت این بحث وجود دارد. با تحریم و تلاش برای پاک کردن صورت‌مسأله اساسا میدان بازی نیز برچیده خواهد شد. علاوه بر این، تجربه نشان داده در جامعه ما روش‌های سلبی اساسا نتیجه‌ای که از آن انتظار می‌رود را به بار نیاورده‌اند و تنها به دو شقه‌شدن جامعه و پیچیده‌شدن غیر ضروری مسأله انجامیده و پس از گذر زمان نیز اساسا موضوع از حافظه جامعه پاک خواهد شد.

ادامه از صفحه اول | بنابراین از لحاظ نتیجه‌گرایی این اقدام بیهوده است. اگر از منظر حقوق شهروندی بخواهیم به مبنای برسیم، باید گفت که نمی‌توان حقوق شهروندی برخی از شهروندان با این توجهات را نقض کرد.

نکته بعدی این است که موضوع استفاده از دوچرخه در سطح شهر تهران برای تردد، موضوعی بوده که هر شهرداری که در تهران بر سر کار آمده، در آن ورود کرده است و البته هیچ کدام هم نتوانسته‌اند آن طور که باید، در آن موفق باشند. حالا موسسه «بی‌دود» توانسته تا حدودی در این موضوع پیشرفت حاصل کند. موضوعی که اشاعه‌اش هم به نفع شهر است، هم به نفع شهروندان و هم در راستای پاک‌تر شدن محیط‌زیست شهری. چرا باید به جای حل مشکلی که در بخشی از این موضوع وجود دارد، اساسا کل موضوع را هدف قرار داد؟ واقعیت این است که از لحاظ قانونی و حقوقی دوچرخه‌سواری زنان در سطح شهر ممنوعیتی ندارد. خود به‌شخصه بانوانی را می‌شناسم که با دوچرخه رفت‌وآمد می‌کنند و هنوز از آنها نشنیده‌ام